



تحلیل و بررسی معیارهای قانونی شدن کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)

سیدعلی حسنی آملی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸

چکیده

متون مقدّس هر دینی، یکی از این بنیان‌های اساسی آن دین است. از این رو، دارای جایگاه کلیدی و تعیین‌کننده در ادیان است. وثاقت و اعتبار این متون یکی از مباحث بسیار مهم و سرنوشت‌ساز برای این متون به حساب می‌آید که به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ از جمله آن‌ها، چگونگی تعیین و رسمیت یافتن نوشته‌های مقدّس است. تعیین کتاب‌های رسمی یک دین که از آن با عنوان کتاب مقدّس آن دین یاد می‌کنند، از آن جهت بسیار مهم است که دست یافتن به باورها، آموزه‌ها و آیین‌ها و اخلاقیات آن دین، وابسته به این متون است. از این رو، یافتن کتاب اصلی در میان نوشته‌های زیاد منتسب به یک فرد یا یک دین، امری مهم و سرنوشت‌ساز به حساب می‌آید. آنچه امروزه با عنوان کتاب مقدّس گرد آمده است، تنها نوشته‌های مقدّس یهودیان و مسیحیان نیست، بلکه گزیده‌ای از انبوه نوشته‌هایی است که در یهودیت و مسیحیت وجود داشته است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی و ارزیابی معیارهای قانونی و رسمی شدن کتاب مقدّس است. نتایج حاصل شده حکایت از آن دارد که آنچه به‌عنوان معیارهای رسمی و قانونی شدن توسط اندیشمندان این دین مطرح می‌شود، از توجه کافی برخوردار نیست. به همین دلیل کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) از جهت رسمی و قانونی شدن دارای اعتبار و وثاقت نیست.

واژگان کلیدی

کتاب مقدّس، قانونی شدن، معیارهای رسمی شدن، زمان قانونی شدن، مسیحیت.

مقدمه

هر دینی دارای اصول و بنیان‌هایی است که به‌عنوان ستون و پایه‌های اساسی آن دین محسوب می‌شود. متون مقدس هر دینی، یکی از این بنیان‌ها است. از این رو، متون مقدس دارای جایگاه کلیدی و تعیین‌کننده در ادیان هستند. وثوق و اعتبار این متون یکی از مباحث بسیار مهم و سرنوشت‌ساز برای آن متون به حساب می‌آیند که به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله آن‌ها چگونگی تعیین و رسمیت یافتن نوشته‌های مقدس است. تعیین مجموعه کتاب‌های رسمی یک دین که با عنوان کتاب مقدس آن دین معروفند، بسیار مهم است؛ چراکه دست یافتن به باورها، آموزه‌ها، آیین‌ها و اخلاقیات آن دین وابسته به این متون است. از این رو، یافتن کتاب اصلی در میان نوشته‌های زیاد منتسب به یک فرد یا یک دین امری مهم و سرنوشت‌ساز به حساب می‌آید.

آنچه امروزه تحت عنوان کتاب مقدس گرد آمده است، تنها نوشته‌های مقدس یهودیان و مسیحیان نیست، بلکه گزیده‌ای از انبوه نوشته‌هایی است که در یهودیت و مسیحیت وجود داشته است؛ برای نمونه، آنچه به‌عنوان اناجیل چهارگانه مطرح است، تنها اناجیل نوشته‌شده پیرامون زندگی حضرت عیسی توسط شاگردان و حواریان آن حضرت نیست، بلکه در قرون اولیه مسیحیت، بیش از ۱۱۴ انجیل در دسترس بوده است (شمس، ۱۳۸۹: ۲۱۸)؛ مانند انجیل پطرس (جانشین حضرت عیسی)، انجیل عبرانیان، انجیل مصریان، انجیل مرقیون، انجیل توماس و انجیل فیلیپس. همچنین افزون بر کتاب اعمال رسولان رسمی، کتاب‌های اعمال دیگری نیز وجود داشت؛ مانند اعمال پولس، اعمال یوحنا، اعمال آندریاس و اعمال توماس (Barclay, 1972: 62-63; Bratton, 1967: 191-193)؛ همچنین رساله‌هایی چون رساله کلمنت و رساله برنابا، افزون بر رساله‌های رسمی وجود داشته است.

جالب توجه این است که اناجیل و نوشته‌های نخستین که بیشتر توسط حواریان و شاگردان نزدیک آنان نوشته شده بود، امروزه رسمی و قانونی نیستند، بلکه برخی از آن‌ها، نوشته‌هایی مثل انجیل لوقا و اعمال رسولان که به اعتراف خود نویسندگان‌شان، اصلاً عیسی را ندیده‌اند (لوقا ۱: ۲-۱)، رسمیت پیدا کرده و قانونی شده‌اند. افزون بر این، آنچه در کتاب مقدس فعلی گرد آمده، از ابتدا رسمی و مورد پذیرش همه مسیحیان و یهودیان در طول تاریخ نبوده است، بلکه این نوشته‌ها در طول زمان زیادی رسمیت یافته و قانونی شده‌اند (کیویت، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

یکی دیگر از الهی دانان مسیحی در رابطه با رسمی و قانونی شدن بعضی از نوشته‌ها گزارش می‌کند که: «مردم گاهی می‌گویند که همین فرآیند قانونی کردن به عبارتی، تعیین فهرست کتاب‌های رسمی کتاب مقدس، نشان آن است که مرجعیت نهایی از آن کلیسا بوده است. این نظری است که گاه سنت‌گرایان کاتولیک برای دفاع از برتری کلیسا بر کتاب مقدس ابراز داشته‌اند. گاه نیز این نظر را شکاکان پست مدرن مطرح کرده‌اند. به زعم این شکاکان، خود کائن و بنابراین کتاب‌های مشمول آن، همگی قسمتی از بازی قدرت داخل کلیسا برای اعمال کنترل و کسب احترام اجتماعی بوده‌اند.» (رایت، بی تا: ۹۴)

چنانچه بیان شد در میان انبوهی از نوشته‌ها تعدادی از آن‌ها در زمره کتاب مقدس قرار گرفته و به عنوان کتاب مقدس رسمیت یافته و قانونی شده‌اند و بقیه کتاب‌ها و نوشته‌ها یا کلا از رده خارج شدند یا به عنوان کتاب‌های ثانوی (Deuterocanonical) یا اپوکریفا (Apocrypha) از آن‌ها یاد می‌شود که دارای اهمیت و تقدس آن‌چنانی که نوشته‌های کتاب مقدس از آن برخوردارند، نیستند.

در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی روند و معیارهای رسمی و قانونی شدن کتاب مقدس بررسی و ارزیابی می‌شود.

سؤال اصلی تحقیق این است که در چه زمانی و براساس چه معیارهایی، چه تعداد رسائل و نوشته‌های کتاب مقدس به عنوان متون مقدس قانونی و رسمی پذیرفته شده‌اند و آیا این معیارها از نظر علمی قابلیت پذیرش دارند؟

کلمه کائن «Canon» از لغت یونانی «kanon» گرفته شده است که به معنای «نی» یا «عصا» و «میل» است (سی تنی، ۲۰۱۰م: ۳۳۳) که چون برای اندازه گرفتن به کار می‌رفت، دارای معنای «میزان یا معیار» شد. بر این اساس، لفظ کائن دارای دو معنای «لیست» و «معیار» است (Fernhout, 1994, 2 & Barclay, 1972, 19) و مراد از آن در مورد کتاب مقدس، آن معیار و لیستی است که مشخص می‌کند که چه کتاب‌هایی تشکیل دهنده کتاب مقدس هستند (Most, 2003, 3: 20). به تعبیر دیگر، دلالت بر فهرست به رسمیت شناخته شده کتاب‌هایی دارد که برای حیات و ایمان کلیسا، دارای ارزش هنجاری هستند (سیار، ۱۳۸۷: ۵۷). به فرآیند مقدس و صحیح شناخته شدن نوشته‌های کتاب مقدس، «قانونی شدن» (Canonization) گویند (میشل، ۱۳۸۷: ۲۴؛ مک‌گراث، ۱۳۸۵: ۱۵).

با توجه به مشتمل بودن کتاب مقدس بر عهد عتیق و عهد جدید، هر یک از این بخش‌ها به صورت مستقل بررسی می‌شود.

۱. عهد عتیق

دیدگاه‌ها در رابطه با زمان و تعداد کتاب‌ها و معیار قانونی شدن عهد عتیق بسیار مختلف است. این اختلاف هم در بین یهودیان و هم در میان مسیحیان مطرح است.

۱-۱. تعداد کتاب‌های عهد عتیق

در تعداد نوشته‌های عهد عتیق در طول تاریخ اختلاف نظر وجود داشته است و این اختلاف، به قبل از مسیحیت برمی‌گردد. یهودیان فلسطین تعداد کتاب‌های عهد عتیق را کم‌تر از آن چیزی می‌دانستند که یهودیان اسکندریه می‌پذیرفتند (Most, 2003, 3: 20) علاوه بر این که یهودیان سامری تنها پنج سفر اول عهد عتیق (تورات) را به عنوان متن مقدس و قانونی قبول دارند (Bratton, 1967: 113).

مسیحیان کاتولیک نیز ۴۶ نوشته را به عنوان کتاب‌های رسمی عهد عتیق می‌پذیرند (میشل، ۱۳۸۷: ۲۳)، اما پروتستان‌ها، همانند یهودیان فلسطین، تنها ۳۹ کتاب از نوشته‌های عهد عتیق را رسمی و قانونی می‌دانند (میشل، ۱۳۸۷: ۲۳).

۱-۲. زمان قانونی شدن عهد عتیق

علاوه بر اختلاف در تعداد کتاب‌های عهد عتیق، در زمان قانونی شدن آن نیز اختلاف فراوان وجود دارد. ربی کهن درباره زمان قانونی و رسمی شدن عهد عتیق می‌گوید: «این موضوع که چه وقت قدوسیت کتاب‌های مقدس و شماره قطعی آن‌ها اعلام شده است، دقیقاً معلوم نیست. در یک جا چنین نقل شده است: در آغاز، کتاب‌های امثال و غزل‌ها و جامعه سلیمان در دسترس مردم نبود؛ زیرا می‌گفتند این کتاب‌ها فقط حاوی مثال و تمثیل است و از زمره کتب مقدس محسوب نمی‌شود. آن‌ها در همین حال باقی ماندند تا آن‌که اعضای انجمن کبیر (کنست هگدولا) آمدند و مطالب آن را تفسیر کردند... طبق این نظریه، قدوسیت کتاب مقدس، در قرن سوم پیش از میلاد مسیح اعلام شده است، ولی شواهدی در دست است که تا پنج قرن دیگر، تعلق داشتن بعضی از کتاب‌ها به مجموعه کتب مقدس، مورد بحث بوده است.» (مک‌گراث،

نویسنده دیگری در این رابطه می‌نویسد: «کتاب مقدس عبرانی شامل ۲۴ کتاب است... تثبیت این قاعده، به تدریج صورت گرفت. بدین معنی که برای دو بخش اول، کمی قبل از قرن سوم پیش از میلاد و برای بخش سوم بین قرن چهارم و دوم پیش از میلاد تعیین گردید. در شورای جمنیا (سال ۹۰ تا ۱۰۰ میلادی) هفت کتاب از کتاب مقدس یونانی و نیز به برخی اضافات مخصوص کتاب مقدس یونانی مردود شمرده شد.» (لئون دوفور، ۱۹۹۶م: ۴۶)

آلن آنترمن^۱ نیز پایان قرن دوم میلادی را زمان قطعی شدن نوشته‌ها و کتاب‌های یهودیان (عهد عتیق) می‌داند (آنترمن، ۱۳۸۵: ۷۴).

آن‌چنانکه پیداست، زمان قانونی و رسمی شدن کتاب‌های عهد عتیق در یک زمان معین صورت نگرفته، بلکه زمان رسمی شدن آن‌ها متناسب با بخش‌های مختلف آن متغیر و به تدریج بوده است. بر اساس دیدگاه سنتی یهود، تورات در زمان عزرا و نحمیا، یعنی در قرن پنجم قبل از میلاد، قانونی و رسمی شدند (Bratton, 1967: 12-13). برخی از نویسندگان معتقدند که کتاب‌های انبیا (نویسیم) قبل از سال ۲۰۰ میلادی رسمیت پیدا کرده است (ویر، ۱۳۶۸: ۶۰۷-۶۰۸؛ Bratton, 1967: 38) و شاهد بر این امر را این سخن یسوع بن سیراخ می‌دانند که جدّ او سالیان متمادی ممحّض در تدریس کتاب شریعت، انبیا و نوشته‌های آبا بود. این سخن شاهد روشنی است که کتاب‌های انبیا و کتاب تورات قبل از این زمان، قانونی شده بودند و معروف است که سفر یسوع بن سیراخ پیش از سال ۱۸۰ قبل از میلاد نوشته شده است (یوسف، ۱۹۹۳م: ۴۳).

برخی نیز معتقدند که نوشته‌های دیگر عهد عتیق (کتوبیم) پیش از سال ۷۵ قبل از میلاد، قانونی و رسمی شده بودند؛ چون در تلمود بابلی آمده که سیمون بن شیتاح^۲ در سال ۷۵ قبل از میلاد، از سفر جامعه (۷: ۱) و امثال (۲۳: ۲۵) کلماتی را نقل و اقتباس کرده است؛ اما عده‌ای دیگر از اندیشمندان معتقدند که زمان قانونی شدن این مجموعه (کتوبیم) به زمان میلاد حضرت عیسی نزدیک‌تر بود؛ چون فیلون، فیلسوف یهودی (متولد ۲۵ قبل از میلاد و متوفای ۵۰ میلادی) از مجموعه کتاب‌های عهد عتیق به غیر از کتاب‌های حزقیال، دانیال، روت، استر، مراثنی و جامعه، سخنانی را نقل و اقتباس کرده است؛ پس معلوم می‌شود در زمان فیلون که در زمان تولّد و حیات

1. Alan Unterman.
2. Simon ben Shetach.

حضرت عیسی بود، هنوز یک سری از نوشته‌های کتاب‌های تاریخی (کتوبیم) در زمره نوشته‌های قانونی قرار نداشته و از آن‌ها نقلی نکرده است (یوسف، ۱۹۹۳م: ۴۳-۴۴).

این اختلاف در تعداد کتاب‌های قانونی عهد عتیق ادامه پیدا کرد و حتی شورا یابنه (یاونه، یامینا) که در سال ۹۰ میلادی تشکیل شد هم نتوانست این مشکل را حل کند. این شورا، اجتماعی از علمای فریسی بود که در صدد مشخص کردن کتاب‌های قانونی عبری بودند، ولی صدوقیان که گروه دیگری از یهودیان بودند، به تصمیمات ایشان تن در ندادند و آن‌ها را رد کردند. در نتیجه اختلاف ادامه پیدا کرد (یوسف، ۱۹۹۳م: ۴۴).

جالب این است که این اختلاف‌ها در مسیحیان هم ادامه پیدا کرد. شواهد حکایت از آن دارد که تا مدت زیادی کتاب‌های عهد عتیق مورد پذیرش مسیحیان نبوده است؛ برای مثال، یکی از فهرست‌های اولیه‌ای که برای کتاب مقدس وجود دارد، فهرست مرقیون (مرکیون یا مارسیون)، یکی از پرنفوذترین رهبران قرن دوم و از اهالی شهر پنطس است که از مریدان پرشور پولس بود، اگر چه او را ندیده بود. او در سال ۱۴۴ میلادی فهرست کتاب مقدس را اعلام نمود. او در این اعلام، تمام عهد عتیق را حذف کرد (هارناک، ۱۳۹۵: ۹۰-۹۲؛ Barclay, 1972: 58-59) و سعی نمود کتاب‌هایی برای عهد جدید انتخاب کند که از تأثیر عقاید یهود آزاد باشد (سی‌تنی، ۲۰۱۰م: ۳۳۹). گنوسی‌ها هم که حدوداً در همان زمان بودند، عهد عتیق را رد کردند (هارناک، ۱۳۹۵: ۹۳-۹۴) و این حاکی از آن است که اقبالی نسبت به کتاب‌های عهد عتیق از سوی مسیحیان نبوده است و حتی گروه‌هایی در صدد حذف آن بودند. فهم این مسئله با مرور بر حوادث و مصایبی که یهودیان برای مسیحیان اولیه به‌وجود آورده بودند، آسان است.

اسقف میلیتوس^۱ اسقف شهر ساردس^۲ که در اواخر قرن دوم میلادی (۱۷۰م) می‌زیسته است، کتاب استر را از کتاب‌های قانونی نمی‌دانست. آتاناسیوس در سال ۳۶۵م، لیستی از کتاب‌های عهد عتیق منتشر کرد که شبیه لیست یونانی‌ها (ترجمه سبئینیه) بود. جروم (۳۲۹-۴۲۰م) دیگر الهی‌دان مسیحی در ترجمه‌اش بین کتاب‌های قانونی (پیدایش تا ملاخی) و کتاب‌های اپوکریفایی (از طوبیا تا مکابیین) فرق گذاشته است. او این ترجمه را در سال ۳۸۶م در صومعه‌ای در بیت لحم آغاز کرد. اگر چه این ترجمه علاوه بر کتاب‌های عهد عتیق، شامل

1. Melito.

2. Sardis.

کتاب‌های آپوکریفا هم است، اما جروم نیز تأکید داشت که تنها کتاب‌های عبری باید کتاب‌های رسمی و شرعی کتاب مقدس محسوب شوند و در ترجمه‌اش این کتاب‌های غیرقانونی را اگرچه صالح برای تعلیم دانست، اما مناسب برای اعتقادات نمی‌دانست (یوسف، ۱۹۹۳م: ۴۴-۴۵). او همچنین ترجمه خود را از زبان اصلی عبری انجام داده، نه ترجمه یونانی سبعینیه (لین، ۱۳۸۶: ۷۹). بر این اساس معلوم می‌شود که حتی در اواخر قرن چهار میلادی هم تعداد کتاب‌های عهد عتیق رسمی و قطعی نبوده است؛ همچنین عهد عتیق به زبان اصلی‌اش (عبری) هم دارای کتاب‌های آپوکریفایی بود، برخلاف آنچه یهودیان ادعا می‌کنند و کتاب‌های آپوکریفایی را مختص ترجمه سبعینیه می‌دانند نه کتاب مقدس عبری.

شورای هیپو^۱ (۳۹۳م)، نخستین شورای مسیحی بود که کتاب‌های آپوکریفایی را هم بخشی از کتاب‌های قانونی و رسمی عهد عتیق قرار داد و این تصمیم در شوراها کارتاز که در سال‌های ۳۹۷ و ۴۱۹م تشکیل شد، مورد تأکید قرار گرفت (یوسف، ۱۹۹۳م: ۴۵)؛ اما یهودیان برخلاف مسیحیان، کتاب‌های آپوکریفایی را بخشی از کتاب‌های قانونی عهد عتیق ندانسته و تا به امروز هم نمی‌دانند. پروتستان‌ها هم که در قرن ۱۶ میلادی شکل گرفتند، دیدگاه یهودیان در این زمینه را قبول دارند و دیدگاه کلیسای کاتولیک و ارتدوکس را در این زمینه نمی‌پذیرند. در واکنش به این تصمیم کلیسای پروتستان، کاتولیک‌ها در شورای ترنت^۲ (۱۵۴۶م) بر تصمیم شورای هیپو و کارتاز تأکید کردند و عهد عتیق را «آن دسته از کتاب‌هایی که در یونانی و لاتین وجود دارد»، اعلام کردند (مک‌گراث، ۱۳۹۲، ۱: ۲۵۳).

دیدگاه یهودیان سامری را نیز باید به این اختلاف‌ها افزود. سامریان تنها ۵ سفر تورات را کتاب قانونی عهد عتیق می‌دانند و بقیه کتاب‌های عهد عتیق (نویسیم و کتوبیم) را قانونی و رسمی نمی‌شمارند (Barclay, 1972: 28-29; Bratton, 1967: 113).

چنانکه پیدا است داستان قانونی و رسمی شدن کتاب‌های عهد عتیق داستانی بلند و پرفراز و نشیب است.

۳-۱. معیارهای قانونی شدن نوشته‌های عهد عتیق

درباره معیارهای قانونی شدن کتاب‌های عهد عتیق کم‌تر در نوشته‌های یهودیان و مسیحیان

1. Hipoo.
2. Trento.

سخن به میان می‌آید. اغلب به زمان قانونی شدن این کتاب‌ها و نوشته‌ها می‌پردازند. با این حال، بعضی از نویسندگان، معیار قانونی شدن تورات (پنج سفر اول عهد عتیق) را این می‌دانند که این نوشته‌ها سخنان خدای متعال است که به واسطه حضرت موسی به مردم داده شده است. خدای متعال توسط این کتاب‌ها، بی‌واسطه با مردم صحبت کرده و حضرت موسی آن‌ها را نگاشته است. از این رو، رسمی و قانونی شدن این پنج کتاب، ریشه در سخنان مستقیم خدا بودن دارد (یوسف، ۱۹۹۳م: ۳۵-۳۷)؛ چنانکه روشن است این معیار در مورد نوشته‌های دیگر عهد عتیق نمی‌تواند مطرح باشد؛ چون هیچ‌کس این ادعا را ندارد که آن‌ها سخنان بی‌واسطه خدای متعال هستند.

ناگفته پیداست که این معیار برای قانونی شدن تورات کفایت نمی‌کند؛ چون با ویژگی‌هایی که تورات فعلی دارد، نمی‌توان ادعا کرد که تمام این تورات سخن بی‌واسطه خدای متعال است. اگر قرار باشد به برخی از قسمت‌های آن برای اثبات الهی و وحیانی بودن آن تمسک کرد، نخست، بخش‌هایی هم در آن وجود دارد که خلاف آن را اثبات می‌کند. دوم این‌که در رابطه با نوشته‌های دیگر، به‌خصوص بخش نوینیم آن نیز می‌توان چنین ادعایی را در مورد آن‌ها بیان کرد و بخش‌هایی از آن‌ها را سخنان الهی و حتی وحی بی‌واسطه خدا دانست؛ درحالی‌که یهودیان ادعای وحی مستقیم بودن این نوشته‌ها را ندارند. علاوه بر این‌که ادعای وحی مستقیم بودن این نوشته‌ها، ریشه در خود این نوشته‌ها دارد و این قابل پذیرش نیست؛ چون دچار مشکل دور است. در نتیجه، این ادعا که منشأ قانونی و رسمی شدن تورات، خود خدای متعال است، سخن درستی نیست.

۲. عهد جدید

بخش دیگر از نوشته‌هایی که تشکیل دهنده کتاب مقدس است، نوشته‌های عهد جدید است که برای مسیحیان از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است.

۲-۱. تعداد کتاب‌های عهد جدید

اگر چه معروف است که در تعداد کتاب‌های قانونی عهد جدید اختلاف نظری وجود ندارد، با این حال، نسخه‌ای آرامی از عهد جدید در دسترس است که به «پشیتا»^۱ به معنای بسیط معروف

1. Peshitta.

است که با لهجه سریانی نوشته شده است. این نسخه از نسخه یونانی بین سال‌های ۴۱۱-۴۳۳ میلادی، در شهر «رها» ترجمه شده و ترجمه آن مورد پذیرش کلیسای شرقی واقع شده است. جالب آن‌که دارای ۲۲ کتاب است (الزین، ۱۴۲۲ق: ۵۸). علاوه بر این‌که ربولا^۱ (۴۳۵م)، اسقف ادسا،^۲ تنها ۲۲ کتاب از ۲۷ کتاب را قانونی می‌دانست (Bratton, 1967: 196) و آشوریان که تحت تأثیر تاتیان^۳ بود برای یک مدّت طولانی انجیل را منحصر در دیاتسرون (Diatessaron) کرده بودند (Bratton, 1967: 196). قانون موراتوری نیز تنها ۲۲ کتاب را به‌عنوان عهد جدید معرفی می‌کند (Ibid, 1967: 59).

۲-۲. زمان قانونی شدن

اما دیدگاه معروف و رسمی درباره زمان رسمیت یافتن نوشته‌های مختلف عهد جدید، چنین است که پیش از پایان قرن دوم میلادی، تمام کتاب‌های عهد جدید، به‌استثنای هفت کتاب، به‌منزله کتاب‌های رسمی عهد جدید پذیرفته شدند و پیش از پایان قرن چهارم، ۲۷ کتابی که عهد جدید فعلی را تشکیل می‌دهند، توسط کلیساهای مغرب‌زمین به‌منزله کتاب‌های رسمی و معتبر عهد جدید پذیرفته شدند (هیل و تورسن، ۲۰۰۱م: ۱۵۸-۱۵۹؛ Bratton, 1967: 184) با تصویب شورای لودیسا^۴ (۳۶۳م) و هیپو^۵ (۳۹۳م) و در نهایت، سومین شورای کارتاژ^۶ در ۳۹۷ میلادی، کتاب‌های رسمی عهد جدید در مغرب‌زمین کاملاً قطعی شد و پیش از سال پانصد میلادی، کلیساهای یونانی‌زبان هم تمام کتاب‌های عهد جدید فعلی را پذیرفتند (تیسن، ۱۳۷۵: ۵۹-۶۰). اگر چه این دیدگاه امروز مشهور است، اما به نظر می‌رسد که وضعیت کتاب‌های رسمی عهد جدید به‌صورتی که نقل شده، مورد اتفاق همگان نبوده است؛ زیرا در نسخه سریانی عهد جدید که متعلق به قرن ششم میلادی است، نامه دوم و سوم یوحنا، نامه دوم پطرس، رساله یهودا و مکاشفه یوحنا وجود نداشته است، حتی در قرن شانزدهم میلادی، لوتر، رساله یعقوب را رد می‌کرد و کالوین هم درباره نامه دوم پطرس مطمئن نبود (سی‌تی، ۲۰۱۰م:

1. Rabbula.
2. Edessa.
3. Tatan.
4. Laodicea.
5. Hippo.
6. Carthage.

۳۴۲). علاوه بر این که قدیمی‌ترین فهرست موجود از عهد جدید، کانن موراتوری^۱ است. این سند، فهرستی از کتاب‌های عهد جدید به زبان لاتین است که ادعا شده در نیمه دوم قرن دوم به نگارش درآمده است. لودوویکو آنتونیو موراتوری در ۱۷۴۰ میلادی، نسخه‌ای از این فهرست که از قرن هشتم است را کشف کرد (هارناک، ۱۳۹۵: ۸۳). کانن موراتوری را معمولاً قدیمی‌ترین فهرست شناخته شده از کتاب‌هایی که کلیسا آن‌ها را در عهد جدید پذیرفته بود، می‌دانند. بیست و دو کتاب در این فهرست نام برده شده و رساله عبرانیان، رساله اول و دوم پطرس، یعقوب و رساله اول یوحنا در آن ذکر نشده است و در مقابل، حکمت سلیمان و مکاشفه پطرس از جمله کتاب‌های معتبر دانسته شده است (Bratton, 1967: 59). علاوه بر این که در این فهرست، بعضی از نوشته‌ها مثل شبان هرمس، طرد و رد شده‌اند (هارناک، ۱۳۹۵: ۱۰۱). در مجموعه‌ای که مارکیون در قرن دوم میلادی به‌عنوان عهد جدید منتشر کرد، تعداد زیادی از کتاب‌های عهد جدید وجود ندارد. این مجموعه دربردارنده انجیل لوقا و ده رساله پولس بود (هارناک، ۱۳۹۵: ۹۴؛ شمس، ۱۳۸۹: ۲۱۹).

کلیسای سوریه از سال‌های اولیه، کتاب‌های آخرالزمانی (مکاشفه‌ای) و نامه‌های رسولی را در زمره کتاب‌های قانونی قرار نداده بود (Bratton, 1967: 196) و کلیساهای شرقی تا بعد از قرن چهارم هم کتاب آخرالزمانی (مکاشفه‌ای) را به‌عنوان کتاب‌های قانونی نپذیرفته بودند (Ibid)؛ چنانکه رساله به عبرانیان به مدت زمان زیادی در کلیساهای غرب به شدت انکار می‌شد (سیار، ۱۳۸۷: ۶۱). علاوه بر این که گلاسیان یک سند قدیمی لاتین است که فهرستی از کتاب‌های کتاب مقدس را در بردارد. این متن، به پاپ گلاسیوس (م ۴۹۶) نسبت داده شده است، ولی احتمالاً تاریخ نگارش آن به قرن ششم بازمی‌گردد (Livingstone, 2006: 165؛ Callaghan, 1981, 6: 314). در این متن، پس از نام بردن کتاب‌های عهد جدید، فهرست بلند بالایی از متون دیگر تهیه و اعلام شده است که کلیسا این متون را نمی‌پذیرد.^۲ این سند دلالت دارد که تا قرن ششم در قانونی بودن کتاب‌های عهد جدید اختلاف وجود دارد که این فتوا صادر شده است.

افزون بر این که به نظر بعضی از محققان، رسمیت یافتن عهد جدید در منطقه مرکزی امپراتور روم (رم-افسس) پدیدار شده و محصولی از کلیساهای اصلی آن منطقه بوده است، نه کلیسا و

1. Muratorian Canon.

2. Livingstone, 2006, p.165.

مراکز اسقف‌نشین دیگر؛ یعنی قطعاً عهد جدید در آفریقا شکل نگرفته و در مصر هم به وجود نیامده است؛ همچنین می‌توان همه کلیساهای ایالتی - کلیساهایی که در آن زمان از تعدادی جوامع پراکنده تشکیل شده بودند - یعنی همه کلیساهای غرب غیر از رم را کنار گذاشت. کلیساهای سوریه به معنای عام کلمه که انطاکیه هم بخشی از آن است نیز می‌توان نادیده گرفت. بدین ترتیب، فقط کلیساهای ایالت خلیجی آسیای صغیر، کلیساهای اخانیه، مقدونیه و رم باقی می‌مانند. این عملاً به این معنا است که فقط کلیسای افسس، اسمرنا، قرتس و رم محل بحث است و کلیسای رم در این مناطق، تفوق داشته است (هارناک، ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۵۲ و ۱۵۴). در نتیجه، عهد جدید محصول کلیسای رم خواهد بود نه دیگر اسقف‌نشینان. طبیعی است که تصمیمات آن‌ها با توجه به اختلاف‌های اساسی که میان آن‌ها وجود داشت، مورد پذیرش دیگر مراکز اسقفی نباشد.

در تاریخ نیز آمده که «کلیساهای مسیحی یهودی در تمام مدّت حیاتشان، تنها یک انجیل مکتوب - انجیل عبرانیان یا انجیل ایبونی‌ها - را قبول داشتند و نه هیچ چیز دیگر. کلیساهای مصر در بخشی از تاریخ خود، تنها یک انجیل در کنار عهد عتیق داشتند. گذشته از این، شکی نیست که بسیاری از کلیساهای مهم، در طی تقریباً نیم قرن (حدود ۱۳۰-۱۷۰ یا ۱۸۰م) یک انجیل را در کنار عهد قدیم قرار داده بودند و تردیدی نیست که در کلیساهای سوری و عربی این وضعیّت تا نیمه قرن سوم ادامه یافته است» (همان: ۷۳-۷۴).

نکته قابل تأمل این است که کانن جدید در هنگام شکل‌گیری مشتمل بر سه کتاب مکاشفه بود (یوحنا، پطرس و هرمس)، اما خیلی زود تنها یک مکاشفه در کانن باقی ماند (همان: ۱۳۹). علاوه بر این که آثار دیگری چون آموزه داووده رسول، رساله اول کلمنس و رساله برنابا در زمره کتاب‌های قانونی بودند، ولی به دلایلی از این لیست حذف شده‌اند (سیار، ۱۳۸۷: ۶۱).

۳-۲. معیارهای قانونی شدن

وضعیت قانونی و رسمی شدن نوشته‌های عهد جدید به‌ظاهر کمی روشن‌تر از عهد عتیق است؛ اما نویسندگان مسیحی معیارهای مختلفی در این رابطه بیان می‌کنند. مسیحیان کاتولیک، ملاک تقریباً نهایی تعیین کتاب‌های قانونی را تصمیم معصومانه کلیسا در مشخص کردن کتاب‌های مقدّس و قانونی می‌دانند (Most, 2003, 3: 20-21)؛ اما بعضی از الهی‌دانان مسیحی، سه معیار را جهت تعیین و تشخیص کتاب‌های قانونی و رسمی عهد جدید بیان می‌کنند:

۱- نوشته‌ای می‌تواند در زمره کتاب مقدس قرار گیرد که در ارتباط با رسولان باشد؛ یعنی نویسنده آن از رسولان باشد (Ibid: 21) یا تأیید و امضای رسولان را داشته باشد، ۲- رسمی دانستن نوشته‌ای توسط یک کلیسای معروف و برجسته یا اکثریت کلیساها در صدر مسیحیت، معیار دیگر رسمی شدن نوشته‌های عهد جدید بود، ۳- هماهنگی محتوای نوشته با معیارهای تعالیم صحیح، دیگر عامل در رسمی و قانونی شدن نوشته‌های عهد جدید بود (لیتل، بی‌تا: ۶۶). برخی دیگر از نویسندگان، سه معیار در این رابطه بیان می‌کنند که دو مورد آن با معیارهای قبلی (۱ و ۲) هماهنگ است و معیار سوم آن متفاوت است. از نظر آنان، کتاب‌هایی می‌توانند در زمره نوشته‌های قانونی قرار گیرند که در درون خود شواهد و مدارکی دالّ بر خصوصیات منحصر به فرد از قبیل الهامی و معتبر بودن ارائه دهند. محتوای کتاب باید خود به خواننده نشان دهد که با یک کتاب معمولی متفاوت است (محمدیان، ۱۳۸۰: ۵). بعضی از الهی‌دانان مسیحی بیش از سه معیار برای تعیین کتاب‌های رسمی و قانونی برمی‌شمارند: «چند اصل کلی برای تعیین کتاب‌های رسمی عهد جدید مورد استفاده قرار گرفت. نوشته‌شدن کتاب‌ها توسط رسولان یا شاگردان آن‌ها از مهم‌ترین اصول بود؛ یعنی کتاب‌ها می‌بایستی توسط رسولان مسیح یا شاگردان بسیار صمیمی و نزدیک آن‌ها نوشته شده باشد؛ به طوری که با آثار رسولان برابر شمرده شود. اصل دیگر برای انتخاب، مناسب بودن قرائت آن در ملاءعام بود. عامل سوم این بود که مورد قبول همه باشد. آیا کتاب مورد نظر توسط تمام اجتماعات مسیحی پذیرفته شده بود؟ به علاوه لازم بود که محتوای کتاب از نظر روحانی در درجه عالی باشد. بالاخره لازم بود که در کتاب، دلیلی حاکی از الهامی بودن توسط روح القدس وجود داشته باشد.» (تیسن، ۱۳۷۵: ۵۹). برخی نیز فرآیند قانونی شدن کتاب‌های عهد جدید را به دو صورت اتوماتیکی و حساب شده ترسیم می‌کنند. عامل اتوماتیکی شامل آن دسته از کتاب‌هایی می‌شد که در مراسم‌های عبادی، البتّه نه به‌عنوان کتاب‌های قانونی، بلکه به‌عنوان این که در تهذیب مؤثر است، خوانده می‌شد. همین امر، این کتاب‌ها را به‌صورت اتوماتیکی در سطح کتاب‌های قانونی قرار داد؛ اما فرآیند حساب شده قانونی شدن بعضی از نوشته‌ها به انتخاب اسقف‌ها و کشیش‌ها وابسته بود (Bratton, 1967: 189).

بدون شک، با مراجعه به نویسندگان دیگر، معیارهای دیگری نیز در این رابطه به دست می‌آید که خود جای شگفتی دارد. با این همه، تأملات فراوانی در مورد این معیارها وجود دارد

که به اختصار به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- اختلاف در معیارها حاکی از آن است که ضوابط دقیق و معینی در این باره وجود نداشته است و هر کس طبق تلقی و دریافت‌های خودش معیارهایی را بیان می‌کند.

۲- هیچ‌کدام از این معیارها، توسط کسانی که کتاب‌های عهد جدید را رسمی اعلام کردند، بیان نشده است؛ یعنی شورای کارتاژ که در ۳۹۷ میلادی تشکیل شد و تنها ۲۷ کتاب و نوشته را از میان انبوهی از نوشته‌ها، قانونی و رسمی اعلام کرد (سی‌تی، ۲۰۱۰م: ۳۴۱) و به ظاهر هیچ معیاری برای این انتخاب خود بیان نکرده است؛ چون اگر این معیارها توسط آنان بیان شده بود، دیگر اختلاف در میان الهی‌دانان و نویسندگان مسیحی در تعیین این معیارها وجود نداشت و همه می‌بایست معیارها این شورا را بیان می‌کردند؛ درحالی‌که چنین نیست و اختلاف موجود، بهترین دلیل بر آن است. اگر چه در بعضی از این معیارها، با هم اتفاق نظر دارند که باید به دست آورد که علت آن چیست؟!

در نتیجه، حداقل می‌توان گفت که جزییات دقیق چگونگی گزینش این نوشته‌ها به عنوان کتاب‌های رسمی و قانونی، نامعلوم است (مک‌گراث، ۱۳۹۲، ۱: ۵۹).

۳- آیا تمام این معیارها باید در یک متن وجود داشته باشند تا آن متن شایستگی قانونی و رسمی شدن را پیدا می‌کرد یا بودن یکی یا چند از آن‌ها کفایت می‌کرد؟

۴- علاوه بر اشکالات فوق، بر تک‌تک این معیارها هم انتقاداتی وارد است:

اول) قسمت‌های رسمی و قانونی عهد جدید را نمی‌توان فقط با توجه به نویسندگان آن تعیین کرد؛ یعنی نمی‌توان به عنصر رسولی بودن و امثال آن تمسک جست و بر اساس آن به رسمی و قانونی بودن حکم کرد؛ چون اگر چه بعضی از مسیحیان اولیه، اهمیت زیادی برای آثار رسولان قائل بودند، اما بعضی دیگر حاضر بودند کتاب‌هایی که فاقد اعتبار از ناحیه رسولان بود را معتبر بدانند و این واقعیت مورد تأیید الهی‌دانان مسیحی واقع شده است (همان). علاوه بر این که دلیل خاصی وجود ندارد که چرا باید نوشته‌های تنها ۹ نفر از نویسندگان صدر مسیحیت را انتخاب کرد و بقیه نوشته‌های رسولی را کنار گذاشت؟ برای مثال، چه دلیلی وجود دارد که فیلیپس نمی‌توانست مانند متی الهام یابد و انجیل بنویسد؟ چنانکه بعضی از نویسندگان مسیحی بیان کرده‌اند در آغاز شکل‌گیری کائنات جدید، این کتاب در بردارنده سه مکاشفه (یوحنا، پطرس و هرماس) بود، اما خیلی زود تنها یک مکاشفه در کتاب‌های قانونی ماند. اگر معیار

رسولی مورد اعتماد بود، چرا مکاشفه پطرس رسول حذف شد؟ چرا انجیل پطرس در زمره کتاب‌های قانونی قرار نگرفت؟

افزون بر این، اگر روشن شود که یکی از کتاب‌های عهد جدید به غلط به نویسندگان آن نسبت داده شده است، در این صورت باید پذیرفت که آن کتاب از رسمیت بیفتد (سی‌تی، ۲۰۱۰م: ۳۳۴-۳۳۵)؛ در حالی که چنین چیزی اصلاً امکان ندارد؛ چنانکه دستاوردهای جریان نقد کتاب مقدس، انتساب بعضی از این کتاب‌ها به نویسندگانی که طبق نظر مرسوم و مشهور، نویسندگان این متون تلقی می‌شدند را زیر سؤال برده و نفی کردند، ولی کسی از قانونی و رسمی بودن این کتاب‌ها دست برنداشته است.

دوم) کتاب‌های عهد جدید را نمی‌توان بر این اساس که کلیسا یا کلیساهایی در صدر مسیحیت آن‌ها را قبول کردند، تعیین نمود؛ چنانکه بعضی از کتاب‌های عهد جدید بعد از نوشته شدن فوراً توسط همه قبول شد؛ اما بعضی دیگر از نوشته‌ها توسط بعضی از کلیساها با احتیاط قبول شد و توسط برخی از کلیساها هم پذیرفته نشد. از بعضی کتاب‌های عهد جدید در متون اولیه نشانی وجود ندارد و اشاراتی که به آن‌ها وجود دارد، مربوط به دوره‌های بعدی است و به همین دلیل، بحث‌هایی در مورد آن‌ها به وجود آمد. اگر چه تعصبات محلی و سلیقه‌های شخصی نمی‌توانست در مورد نظرات کلیسا بی‌تأثیر باشد، ولی نمی‌توان گفت که آنچه توسط یک شخص یا یک کلیسا رد می‌شد و توسط یک شخص یا کلیسای دیگر قبول می‌شد، بدون توجه به دلایل اصالت بوده است. بر عکس، می‌توان ادعا کرد که آن‌ها به مدارک و دلایل و روایاتی دسترسی داشتند که اکنون از بین رفته است و نمی‌توان نظرات آن‌ها را به این دلیل که به زمان ما تعلق ندارند، نادیده گرفت (همان: ۳۳۴).

سوم) هماهنگی نوشته‌ها با معیارهای صحیح را نیز نمی‌توان معیار تعیین کتاب‌های رسمی و قانونی قرار داد؛ چون لازمه این سخن این است که باید از صدر و ابتدای مسیحیت، تعالیم صحیح مسیحیت کاملاً مشخص باشد؛ در حالی که اصلاً چنین چیزی در مسیحیت معنی ندارد؛ زیرا تعالیم رسمی مسیحیت در طول تاریخ طولانی و چند قرنی کم‌کم شکل گرفتند و معیارهای پذیرش بعضی از این آموزه‌ها، نوشته‌ها و مضامین موجود در همین کتاب‌های عهد جدید است؛ برای مثال مسئله نجات، فیض و رستگاری در مسیحیت، بر اساس نوشته‌های پولس مورد پذیرش قرار گرفته است. اگر اندیشه‌های پولس نبود، ایده فیض، نجات و رستگاری مورد پذیرش مسیحیان هرگز این چنین شکل نمی‌گرفت و این اندیشه‌ها در نوشته‌های پولس

متبلور است که یک‌سوم از نوشته‌های عهد جدید را شکل می‌دهند. پس این نوشته‌های عهد جدید هستند که حداقل بعضی از تعالیم اصلی مسیحیت را شکل می‌دهند، نه این‌که این آموزه‌ها، معیاری برای تشخیص و تعیین کتاب‌های رسمی و قانونی باشند.

چهارم) معیار الهامی بودن نوشته‌ها هم معیار دقیق و روشنی برای تعیین و تشخیص رسمی و قانونی شدن نوشته‌ها نمی‌تواند باشد؛ چون ۱- در این‌که الهام کتاب مقدس به چه معنا است، در بین اندیشمندان و الهی‌دانان مسیحی اختلاف فراوان وجود دارد (تیسن، ۱۳۷۵: ۶۱-۶۴؛ محمدی، ۱۳۸۰: ۳۷-۳۹)، ۲- ما ملاکی برای تشخیص الهامی بودن یا نبودن متن نداریم، جز این‌که بگوییم چون این متن در زمره عهد جدید یا عهد عتیق قرار دارد. به‌راستی اگر به‌فرض، یکی از این کتاب‌های رسمی فعلی در زمره کتاب‌های قانونی قرار نمی‌داشت، آیا مسیحیان می‌توانستند الهامی بودن آن را اثبات کنند یا می‌گویند چون در زمره کتاب‌های قانونی قرار ندارد، پس معلوم می‌شود که الهامی نیست؟ این یعنی این‌که از قبل باید قانونی بودن آن متن مسلم باشد؛ درحالی‌که قرار بود قانونی شدن متن مبتنی بر الهامی بودن آن باشد، ولی الان الهامی بودن متن مبتنی بر قانونی بودن متن شد و این دور و باطل است. این‌که برخی در صدد برآمدند تا با تکیه بر محتوای نوشته و تأثیر اخلاقی آن، الهامی بودن آن را اثبات کنند، تلاشی نافرجام است؛ چون تقریباً تمامی نوشته‌هایی که به‌عنوان کتاب‌های رسمی و قانونی انتخاب نشده‌اند (اعم از اناجیل، مکاشفات، رساله‌ها و غیره)، این ویژگی‌ها را دارا هستند. در عوض، بعضی از همین نوشته‌هایی که به‌عنوان قانونی و رسمی انتخاب شده‌اند، به موضوع‌های کاملاً معمولی و حتی شخصی می‌پردازند که در ادامه به قسمت‌هایی از آن اشاره می‌شود و حتی شامل مشکلات تاریخی، ادبی و امثال آن هستند که نمی‌توان آن‌ها را الهامی دانست، ولی با این حال، در زمره کتاب‌های رسمی قرار دارند. در نتیجه معلوم می‌شود که الهامی بودن هم معیار قابل تمسکی در این رابطه نیست.

پنجم) ویژگی مناسب بودن برای قرائت در ملأعام هم نمی‌تواند معیار تعیین و تشخیص نوشته‌های قانونی باشد؛ چون طبق همین معیار، بعضی از نوشته‌های رسمی می‌بایست از دایره رسمی و قانونی بودن خارج شوند. از کجای انجیل لوقا و یوحنا برمی‌آید که برای قرائت عمومی نوشته شده‌اند؟! (هارناک، ۱۳۹۵: ۱۲۸) به کدام منطق می‌توان گفت متونی که در ادامه می‌آیند، شایستگی قرائت در ملأعام را دارند.

«۷ تیخیگس برادر عزیز و خادم امین و هم خدمت من در سرور از همه احوال من

شما را خواهد آگاهانید ۸ که او را به همین جهت نزد شما فرستادم تا از حالات شما آگاه شود و دل‌های شما را تسلّی دهد ۹ با اُنسیمس برادرِ امین و حبیب که از خود شماست، شما را از همه گزارش این‌جا آگاه خواهند ساخت. ۱۰ ارسترخُس هم‌زندان من شما را سلام می‌رساند و مرقس عموزاده برنابا که درباره او حکم یافته‌اید، هرگاه نزد شما آید، او را بپذیرید ۱۱ و یسوع ملقب به یسطس که ایشان تنها از اهل ختنه برای ملکوت خدا هم‌خدمت شده باعث تسلّی من گردیدند. ۱۲ اِفراس به شما سلام می‌رساند که یکی از شما و غلام مسیح است و پیوسته برای شما در دعا‌های خود جلد و جهد می‌کند تا در تمامی اراده خدا کامل و متیقّن شوید. ۱۳ و برای او گواهی می‌دهم که درباره شما و اهل لاودیکیه و اهل هیراپولیس بسیار محنت می‌کشد. ۱۴ و لوقای طیبِ حبیب و دیماس به شما سلام می‌رسانند. ۱۵ برادران در لاودیکیه و نیمفاس و جماعتی را که در خانه ایشان است، سلام رسانید.» (کولسیان ۴: ۷-۱۶)

«دیگر آشامنده آب فقط مباش، بلکه به جهت شکمت و ضعف‌های بسیار خود، شرابی کم میل فرما.» (اول تیموتاؤس ۵: ۲۳)

«۹ سعی کن که به‌زودی نزد من آیی ۱۰ زیرا که دیماس برای محبت این جهان حاضر مرا ترک کرده به تسالونیکه رفته است و کریسکیس به غلاطیه و تیطس به دلماطیه. ۱۱ لوقا تنها با من است. مرقس را برداشته با خود بیاور؛ زیرا که مرا به جهت خدمت مفید است. ۱۲ اما تیخیگُس را به افسس فرستادم. ۱۳ ردایی را که در تروآس نزد کریس گذاشتم وقت آمدنت بیاور و کتب را نیز و خصوصاً رقوق را. ۱۴ اسکندر مسگر با من بسیار بدی‌ها کرد. یهوه او را به‌حسب افعالش جزا خواهد داد. ۱۵ و تو هم از او باحذر باش؛ زیرا که با سخنان ما به‌شدت مقاومت نمود.» (دوم تیموتاؤس ۴: ۹-۱۶)

«۱۲ وقتی که آرتیماس یا تیخیگُس را نزد تو فرستم سعی کن که در نیکوپولیس نزد من آیی؛ زیرا که عزیمت دارم زمستان را در آن‌جا به‌سر برم. ۱۳ زیناس خطیب و آپلس را در سفر ایشان به سعی امداد کن تا محتاج هیچ‌چیز نباشند. ۱۴ و کسان ما نیز تعلیم بگیرند که در کارهای نیکو مشغول باشند برای رفع احتیاجات ضروری تا بی‌ثمر نباشند.» (تیطس ۳: ۱۲-۱۵)

ششم) این معیار که متنی مورد قبول همه باشد نیز نمی‌تواند معیار قانونی شدن نوشته‌های عهد جدید باشد؛ چون هیچ‌کدام از نوشته‌های رسمی موجود در عهد جدید توسط همه اجتماعات مسیحی مورد پذیرش نبوده است، بلکه اختلاف‌های متعددی نسبت به تک‌تک آن‌ها

وجود داشته است. علاوه بر این که در ابتدا تمام مسیحیان از وجود تمام کتاب‌های عهد جدید مطلع نبودند و حتی بعضی از مسیحیان اولیه تمام اناجیل و یا تمام رسالات پولس و سایر رساله‌ها را ندیده بودند (سی‌تنی، ۲۰۱۰: ۳۳۳)؛ چون هریک از این نوشته‌ها در منطقه خاصی و برای کلیسای خاصی بود. برخی از نویسندگان مسیحی در این رابطه گویند: «روشن است وقتی این اناجیل (چهارگانه) نوشته شدند، هر یک جداگانه خوانده می‌شد و نه به‌عنوان جزیی از یک مجموعه هماهنگ... از آغاز پیدایش کلیسا در روز پنطیکاست تا اواسط قرن دوم میلادی هیچ کتابی که شرح اناجیل را یک‌جا در خود جمع کرده باشد، وجود نداشت و به‌ظاهر چهار انجیل جدا از یک‌دیگر در قسمت‌های مختلف امپراتوری روم در دسترس علاقه‌مندان بود.» (همان: ۱۱۴) اصلاً نوشته‌های عهد جدید به‌عنوان کتاب مقدس نوشته نشدند و برای مدت طولانی هم به‌عنوان کتاب مقدس خوانده نمی‌شدند (Bratton, 1967: 84) تا مورد قبول همگان باشد.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، بسیاری از جوامع اولیه مسیحی فقط یک انجیل داشتند. مسیحیان یهودی در فلسطین و مصر، مسیحیان غیریهودی اولیه مصر، کلیسای مارکین در سراسر جهان، مسیحیان یهودی گنوسی و آن دسته از مسیحیان آسیای صغیر که اناجیل همدید را رد کرده بودند، تنها یک انجیل داشتند و تکثیر اناجیل امری غیرعادی و منحصر به فرد بود (هارناک، ۱۳۹۵: ۷۳-۷۴ و ۱۳۲-۱۳۳). یکی از الهی‌دانان مسیحی در این زمینه تأکید دارد: «اگر بر اساس نخستین نوشته‌های مسیحی که «انجیل» یا مطالب انجیل را نقل می‌کنند (رساله اول کلمنت، ویداخه و غیره)، قضاوت کنیم، هیچ‌کس کم‌ترین تصویری از آن (اناجیل متکثر) نداشت.» (همان: ۱۳۳) بر این اساس، تقریباً هیچ نوشته‌ای را نمی‌توان سراغ گرفت که چنین معیاری را دربرداشته باشد؛ پس این معیار که متنی مورد قبول همه باشد نیز نمی‌تواند معیار تعیین و تشخیص قانونی و رسمی شدن کتاب‌های عهد جدید باشد.

هفتم) تمسک به محتوای روحانی یک نوشته هم معیار صحت تعیین و تشخیص رسمی شدن کتاب‌های عهد جدید نمی‌تواند باشد؛ چون از سویی، همه مطالبی که در متون قانونی فعلی وجود دارد، دارای محتوای روحانی نیست؛ چنانکه گذشت بعضی از آن‌ها دربردارنده مطالبی کاملاً شخصی و حتی مطالبی غلط است که با روحانی بودن متن سازگار نیست و از سوی دیگر، بعضی از نوشته‌های رد شده و غیرقانونی مثل نوشته‌های گنوسی یا انجیل توما و امثال آن، دارای محتوای روحانی خوبی است و اگر از کتاب‌های رسمی در این

زمینه برتر نباشند، کم‌تر هم نیستند؛ ولی با این حال، در زمره کتاب‌های رسمی قرار نگرفتند. در نتیجه معلوم می‌شود که این معیار هم در تعیین و تشخیص نوشته‌های قانونی کارساز نخواهد بود.

شاید این سؤال به ذهن بیاید پس چه عواملی موجب شده است که از بین نوشته‌های بسیار زیاد، تنها ۲۷ کتاب عهد جدید به درجه قانونی و رسمی شدن دست پیدا کنند؟ پاسخ به این سؤال مجال مفصل دیگری می‌طلبد؛ اما به صورت خیلی خلاصه باید گفت اول این که باید به خاطر داشت که قصد هیچ‌یک از نویسندگان عهد جدید، القای این موضوع نبوده است که این نوشته‌ها مانند شریعت موسی و پیامبران عهد عتیق مقدس هستند؛ یعنی کتاب‌های عهد جدید به‌عنوان کتاب مقدس نوشته نشدند و برای مدت طولانی هم به‌عنوان کتاب مقدس خوانده نمی‌شدند (Bratton, 1967: 184؛ Barclay, 1972: 47) و زمان نسبتاً طولانی نیاز بود تا مجموعه نوشته‌هایی که هدف آن‌ها در اصل، رفع پاره‌ای از مشکلات موردی بود، به مرتبه نوشته‌های مقدس ارتقا یابد که یا جایگزین عهد عتیق شده یا به آن افزوده شده بود (پترسن، ۱۳۸۴: ۱۴).

دوم این که کائن کتاب مقدس به وسیله کلیسا فرمول‌بندی شده است، نه این که کتاب مقدس، کلیسا را به وجود آورده باشد، بلکه این کلیسا بوده است که کتاب مقدس را به وجود آورد، ساخته و پرداخته کرد. کلیسا مدت زمانی وجود داشت؛ در حالی که کتاب مقدس وجود نداشت (Barclay, 1972: 19).

سوم این که همکاری حکومت و کلیسای بعضی از مناطق در شکل‌گیری عهد جدید و در ادامه، در قبولاندن آن به‌عنوان کتاب‌های قانونی و رسمی، نقش بسیار مهمی داشته‌اند (هارناک، ۱۳۹۵: ۱۲۲-۱۲۳ و ۱۵۰-۱۵۲؛ رایت، بی تا: ۱۹۴؛ پیگلز، ۱۳۹۴: ۳۰-۳۱). به رسمیت شناخته شدن مسیحیت به‌عنوان یک دین رسمی در امپراتوری روم، نیازمند این امر بود که نوشته‌هایی به‌عنوان محور دکتترین کلیسا مورد اتفاق باشد (Bratton, 1967: 187).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه درباره تعداد کتاب‌های کتاب مقدس و زمان قانونی شدن و معیارهای آن بیان شد و با توجه به انتقادات و اختلاف‌هایی که در این زمینه وجود دارد، به دست می‌آید که ۱- به دلایلی نامعلوم، همچنین ۲- با همکاری حکومت با کلیسا، از میان اناجیل بسیار زیاد و از

میان نامه‌ها، رساله‌ها، مکاشفات و امثال آن، تنها یک‌سری از نوشته‌ها به درجه قانونی و مقدّس بودن دست پیدا می‌کنند و رسمی می‌شوند. به علاوه این که ۳- در طی قرون بعدی به‌خصوص پس از رنسانس، اندیشمندان و الهی‌دانان مسیحی به‌علت مواجهه شدن با ابهام‌ها و سؤال‌هایی در زمینه قانونی و رسمی شدن متون عهد جدید در صدد برآمدند تا معیارهایی برای این مسئله بیان کنند (سیار، ۱۳۸۷: ۵۹). در واقع، این معیارها پس از شکل‌گیری کتاب‌های رسمی و قانونی به وجود آمدند و بیان شدند، نه این که آن‌ها اساس تعیین و تشخیص کتاب‌های رسمی از میان نوشته‌های بسیار زیاد باشد. به همین دلیل است که در تعداد این معیارها و توضیحات آن میان اندیشمندان و الهی‌دانان مسیحی اختلاف است.

در نتیجه، اعتباری برای کتاب مقدّس از جهت قانونی شدن، نمی‌توان قائل بود و بر اثر آن، انتساب این نوشته‌ها نیز به خدای متعال کاملاً با تردید مواجه است. به تعبیر دیگر، مسیحیان در طول تاریخ ادّعا کردند که کتاب مقدّس حاوی مکاشفه خاصّ الهی و کلام مکتوب الهی است که نویسندگان آن توسط روح القدس در انتخاب موضوع‌ها و حتّی کلمات هدایت شده‌اند و در اثر آن نویسندگان کتاب مقدس از هرگونه خطا و غفلت حفظ شده‌اند (تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳: ۷۹؛ تیسن، ۱۳۷۵: ۶۱). از سوی دیگر، کتاب‌ها و نوشته‌های زیادی مدّعی دربرداشتن این مکاشفه خاصّ بودند. قانونی شدن روندی است که کتاب‌های واقعی دربردارنده مکاشفه خاصّ را مشخص می‌کند. حال اگر این روند و معیارهای قانونی شدن و رسمیت یافتن نوشته‌های خاصّ، نادرست و غیرقابل پذیرش باشد، نتیجه این می‌شود که ۱- از نظر علمی نمی‌توان مدّعی بود که کتاب‌ها و رساله‌های موجود در کتاب مقدّس مکاشفه و وحی الهی و کلام مکتوب الهی است، در نتیجه این کتاب‌ها و رساله‌ها از حجّیت ساقط می‌شود؛ چون حجّیت کتاب مقدس به وحیانی و مکاشفه‌ای بودن آن وابسته است و در صورتی که وحیانی و مکاشفه‌ای بودن آن اثبات نشود، حجّیت آن نیز از بین می‌رود. ۲- نمی‌توان در اثبات باورها، آموزه‌ها، آیین‌ها، شعائر و اخلاقیات به کتاب مقدّس به‌عنوان مکاشفه و وحی الهی استناد کرد. ۳- از نظر علمی نمی‌توان گفت اطاعت از آنچه در کتاب مقدّس آمده است، اطاعت از خدا است؛ چون ثابت نیست آنچه در کتاب مقدّس آمده است، مکاشفه الهی و سخنان الهی است تا اطاعت از آن، اطاعت از اوامر و منویات الهی باشد. خلاصه آن که نتیجه بررسی قانونی شدن کتاب مقدّس این است که اندیشه‌ها، باورها، اخلاقیات آیین‌ها، شعائر مسیحی و در یک کلام، زندگی مسیحی بر بنیانی غیرقابل پذیرش استوار است.

منابع

۱. کتاب مقدس.
۲. _____ (۱۳۹۳)، *تعالیم کلیسای کاتولیک*، ترجمه: احمدرضا مفتاح، حسین سلیمانی و حسین قنبری، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۳. آترمن، الن، (۱۳۸۵)، *باورها و آیین‌های یهودی*، ترجمه: رضا فرزین، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴. پترسن، چارلز اچ، (۱۳۸۴)، *کتاب عهد جدید*، ترجمه: محمودرضا قربان باغ، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
۵. پیگلز، الین، (۱۳۹۴)، *انجیل‌های گنوسی*، ترجمه: ماشاءالله کوچکی میدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. تونی، لین، (۱۳۶۸)، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه: روبرت آسریان، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.
۷. تیسین، هنری، (۱۳۷۵)، *الهیات مسیحی*، ترجمه: طاهره وس میکانلیان، بی‌جا، حیات ابدی.
۸. رایت، ان. تی، (بی‌تا)، *کتاب مقدس و اقتدار خدا*، ترجمه: میشل آقامالیان، بی‌جا، بی‌نا.
۹. سی. تی، مریل، (۲۰۱۰م)، *معرفی عهد جدید*، ترجمه: طاهره مکانلیان، لندن، ایلام.
۱۰. سیار، پیروز، (۱۳۸۷)، *عهد جدید*، تهران، ترجمه نشر نی.
۱۱. شمس، محمد، (۱۳۸۹)، *سیر تحول کتاب مقدس*، قم، بوستان کتاب.
۱۲. فاروق الزین، محمد، (۱۴۲۲ق)، *المسیحیة و الاسلام و الاستشراق*، دمشق، دارالفکر.
۱۳. کیوپت، دان، (۱۳۷۶)، *دریای ایمان*، ترجمه: حسن کامشاد، تهران، طرح نو.
۱۴. لیتل، پل، (بی‌تا)، *ایمانی منطبق با عقل و برهان*، ترجمه: سارو خاچکیان، بی‌جا، بی‌نا.
۱۵. لنون دوفور، گزاویه، (۱۹۹۶م)، *فرهنگ عهد جدید*، بی‌جا، سایت ایران کاتولیک.
۱۶. محمدیان، بهرام، (۱۳۸۰)، *دایرةالمعارف کتاب مقدس*، ترجمه: گروهی، تهران، انتشارات روز نو.
۱۷. مک گراث، آلیستر، (۱۳۸۵)، *درآمدی بر الاهیات مسیحی*، ترجمه: عیسی دیباج، تهران، کتاب روشن.
۱۸. _____ (۱۳۹۲)، *درسنامه الاهیات مسیحی*، ترجمه: بهروز حدادی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۹. میشل، توماس، (۱۳۸۷)، *کلام مسیحی*، ترجمه: حسین توفیقی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان.
۲۰. ویر، رابرت، (۱۳۸۶)، *ادیان در جهان امروز*، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۱. هارناک، آدولف فون، (۱۳۸۵)، *خاستگاه عهد جدید و مهم‌ترین پیامدهای پیدایش آن*، ترجمه: حامد فیاضی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

۲۲. _____، (۱۳۹۵)، *خاستگاه عهد جدید و مهم ترین پیامدهای پیدایش آن*، ترجمه: حامد فیاضی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.
۲۳. هیل، توماس و تورسون، استیفان، (۲۰۰۱م)، *تفسیر کاربردی عهد جدید*، ترجمه: آرمان رشدی و فریبرز خندانی، بی جا، بی نا.
۲۴. یوسف، صموئیل، (۱۹۹۳م)، *المدخل الی العهد القديم*، بیروت، دارالثقافة.
25. Barclay, William, 1972, *Introducing the Bible*, Nashville-New York, Abingdon.
26. Bratton, Fred Gladstone, 1967, *A History of the Bible*, Boston, Beacon.
27. Fernhout, Rein, 1994, *Canonical Texts*, Amsterdam-Atlanta, Rodopi.
28. Most, William George, 2003, *Biblical Canon*, in: *new Catholic Encyclopedia*, 2^{ed}, US, Thomson, Gale. RdaqC /74210.
29. Livingstone, E.A, 2006, *The Concise Oxford Dictionary of the Christian Church*, Oxford University Prees, New York.
30. Callaghan, M.O, 1981, *Gelasian Decree*, in: *New Catholic Encyclopedia*, Catholic University of America, Washington.